

طراحی الگوی سرمایه اجتماعی مبتنی بر تعالیم دینی

بهروز رضایی منش *

علی پوربهروزان **

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۷/۱۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۰۲

چکیده

هدف این پژوهش، طراحی الگویی از سرمایه اجتماعی مبتنی بر تعالیم دینی است. روش انجام این پژوهش، کیفی و با رویکرد استقرایی است. به منظور استخراج مطالب، از فن تحلیل مضمون استفاده شد. منابع مورد بررسی نیز نامه‌های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه و همچنین بیانات ایشان در کتاب میزان الحکمه است. نتایج به دست آمده براساس داده‌های پژوهش، بیانگر سه مجموعه الزام است که باید در سه سطح فردی، شبکه‌ای و اجتماعی رعایت شود. با رعایت نکات هر سطح می‌توان به یک سرمایه اجتماعی منسجم و حداکثری دست یافت. در سطح فردی، هر شخص باید ظرفیت‌هایی را درون خویش به وجود آورد، مانند خیرخواهی و ایثار؛ این دست ظرفیت‌ها به نگرش و ذهنیت فرد نسبت به جهان خارج مربوط می‌شود و بستر اولیه خلق سرمایه اجتماعی است. در سطح شبکه‌ای باید تعاملات بین فردی (و عموماً روزانه افراد) سامان پیدا کند، مانند بخشندگی و دستگیری از نیازمندان. در سطح اجتماعی نیز توصیه‌هایی برای مدیران و مسئولان قرار دارد که با رعایت آن می‌توان فضای کلی جامعه را سالم و حامی سرمایه اجتماعی کرد. **کلیدواژه‌ها:** سرمایه اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی دینی؛ تعالیم اسلامی؛ نهج البلاغه.

مقدمه

بخش وسیعی از مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه امروزی ما، با نسخه‌های معمولی صاحب‌نظران حل‌شدنی نیست. شاید دلیل اصلی سامان‌نیافتن این مسائل به تطابق اندک نسخه‌های پیچیده‌شده، با فرهنگ و ساختارهای اجتماعی جامعه دینی برگردد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۶: ۴۸).

در همین راستا، سرمایه اجتماعی نیز از موضوع‌های تأثیرگذاری است که کشورهای مختلف برای تحقق اهداف اجتماعی، اقتصادی و... از ظرفیت آن بهره می‌گیرند (صمدی و عباسی، ۱۳۹۱: ۸۶). سرمایه اجتماعی واژه‌ای است که برای نخستین بار از سوی جامعه‌شناسانی مانند توکویل، بوردیو و جمیز کلمن در سال‌های دهه نود میلادی مطرح شد و تحقیقات بزرگی در زمینه سرمایه اجتماعی به صورت کاربردی توسط رابرت پاتنام و فرانسیس فوکومایا انجام شد. همچنین جامعه‌شناسان، علمای سیاست و اقتصاددانان برای یافتن سؤالات متعددی که در رشته‌های خود با آن مواجه بودند، به مفهوم سرمایه اجتماعی متوسل شدند که در دو دهه اخیر به عنوان یک دیدگاه نظری مؤثر، پذیرش گسترده‌ای را به دست آورده است (میتچل و بوزرت^۱، ۲۰۰۶: ۴۳).

اهمیت این مفهوم، زمانی برجسته‌تر می‌شود که بدانیم توفیق سازمان‌ها را نمی‌توان تنها در انباشت ثروت مادی و تجهیز به آخرین امکانات فیزیکی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی دانست (مقیم و همکاران، ۱۳۹۰). جامعه بدون سرمایه اجتماعی در به کارگیری دیگر سرمایه‌ها نیز ناتوان است (بهروان و بهروان، ۱۳۹۲). این سرمایه حیاتی، وابستگی و ارتباط متقابل و محکمی با سرمایه فیزیکی، اقتصادی و انسانی دارد، به تسریع توسعه اقتصادی و فرهنگی و اطلاعاتی و رشد و بالندگی جامعه یاری می‌رساند؛ موجب ایجاد حس همکاری و همیاری و مشارکت میان اعضای جامعه می‌شود و مهم‌تر اینکه شرط لازم برای توسعه هر نظام اجتماعی، مقدمه ایجاد جامعه مدنی و گسترش‌دهنده حوزه عمومی است و این گونه سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمی نسبت به سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع گوناگون برعهده دارد و در صورت عدم وجود سرمایه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های دیگر، چندان مفید، مثمر و مؤثر نخواهند بود (لوفلین^۲، ۲۰۰۳: ۲۳).

برهمن اساس، افول بیش‌ازحد سرمایه اجتماعی در هر جامعه و کشوری به حتم جامعه را با مشکلات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی روبه‌رو می‌سازد (میتچل و بوزرت^۳، ۲۰۰۶: ۴۶). همچنین با

1 - Mitchel & Bossert

2 - Loflin

3 - Mitchel & Bossert

کاهش و افول سرمایه اجتماعی، شاهد تبعیض، نابرابری، مهاجرت، عدم حس اعتماد عمومی، کاهش مشارکت اجتماعی، افول امور خیریه، افزایش انحرافات و اعتیاد و فروپاشی خانواده و شکاف بین‌نسلی خواهیم بود (نیچن و همکاران^۱، ۲۰۱۵: ۸۷۲).

تکوین سرمایه اجتماعی، مستلزم عواملی خواهد بود که یکی از آنها در نظر گرفتن نظام ارزشی است (ضرغامی، ۱۳۸۶: ۷۰). خوشبختانه علی‌رغم همه این چالش‌ها، کشور ایران به علت مذهب مشترک، آیین و رسوم خاص، اعیاد و عزاداری‌ها، احترام عامه مردم به یک‌سری اصول و ارزش‌ها و... دارای عناصری از اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی است. مردم خصوصاً بعد از انقلاب، در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و نماز جمعه‌ها شرکت کرده‌اند، حضور فعال در جنگ داشته‌اند، در مسائلی نظیر سیل و زلزله و سقوط هواپیما و... همگی یک احساس را بروز داده‌اند، در مسائلی نظیر حضور ایران در جام جهانی یا قهرمانی ورزشکاران و... نیز این حس مشترک که نمودی از سرمایه اجتماعی است، به روشنی قابل مشاهده است.

به منظور حفظ و تقویت همبستگی و جلوگیری از افول سرمایه اجتماعی لازم است که به شناخت صحیح و درستی از فرایند شکل‌گیری آن برسیم. لذا یک اقدام اساسی برای تقویت آثار سرمایه اجتماعی و دور شدن از چالش‌های ناشی از نبود آن، یافتن مدل و چارچوبی گام‌به‌گام از سرمایه اجتماعی مبتنی بر بستر و مبانی ارزشی کشور و تعالیم دینی است. لذا هدف این پژوهش، ارائه الگویی از سرمایه اجتماعی بر مبنای تعالیم دینی است و سؤال پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود:

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تعالیم دینی چیست؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فوکویاما سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی‌خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود، چراکه این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد» (فوکویاما، ۱۳۷۹).

جدول ۱: برخی تعاریف سرمایه اجتماعی از دید اندیشمندان

ردیف	تعریف	نویسنده/گان
۱	سرمایه اجتماعی به وسیله کارکرد آن تعریف می‌شود. کارکردی که به وسیله سرمایه اجتماعی مشخص می‌شود، ارزش جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنشگران به‌عنوان منابعی جهت تحقق اهداف و علاقه‌هایشان از آنها استفاده می‌کنند.	کلمن ^۱ ، ۱۹۹۰
۲	سرمایه اجتماعی داشتن دوستان، همراهان و ارتباطات عمومی تر است که به فرد فرصت‌هایی می‌دهد تا از سرمایه‌های مالی و انسانی خود استفاده کند.	بورت ^۲ ، ۲۰۰۹
۳	سرمایه اجتماعی به جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی اشاره دارد.	پوتنام ^۳ ، ۱۹۹۵
۴	سرمایه اجتماعی جمع منافع بالفعل و بالقوه ناشی‌شده از شبکه روابط یک فرد یا یک واحد اجتماعی است. همچنین، سرمایه اجتماعی یکی از قابلیت‌ها و دارایی‌های مهم سازمانی است که می‌تواند به سازمان‌ها در خلق و تسهیم دانش بسیار کمک کرده و برای آنها در مقایسه با سازمان‌های دیگر، مزیت سازمانی پایدار ایجاد کند.	ناهایت و گوشال ^۴ ، ۱۹۹۸
۵	سرمایه اجتماعی براساس منابعی است که افراد به‌واسطه شناختن دیگران به‌دست می‌آورند و همین هویت اجتماعی به کسب مزایای ملموس منجر می‌شود.	هال ^۵ ، ۲۰۰۴
۶	سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از جوامعی است که در انتقال دانش و منابع باهم سهیمند.	ملیسا و همکاران ^۶ ، ۲۰۱۵

ادیان مختلف آثار متفاوتی بر سرمایه اجتماعی پیروان خود داشتند. برخی تحقیقات نشان داده است، مسیحیت در کره جنوبی در مشارکت مدنی، تأثیر گذاشته است. ادیان، فراهم‌کننده مهارت‌های مدنی، هنجارهای مدنی، علائق اجتماعی، حل اختلافات، مشارکت مدنی از طریق کمک به مردم برای یادگیری مصاحبت با دیگران، برگزاری جلسات و احساس مسئولیت می‌باشند. پیروان ادیان معمولاً با مردمی که به اجتماعات می‌پیوندند و به فعالیت محلی می‌پردازند، رفتار دوستانه دارند (پوتنام، ۲۰۰۴: ۴۵). اجتماعات مذهبی از طریق تشویق مردم به پرداخت صدقات و فعالیت‌های داوطلبانه، سرمایه اجتماعی می‌آفرینند. لذا مذهب با ترویج باور هدایت به وسیله نیروی

- 1 - Coleman
- 2 - Burt
- 3 - Putnam
- 4 - Nahapiet & Goshal
- 5 - Hall
- 6 - Melissa, Brummette & Hazleton

الهی انگیزه فداکاری ایجاد می‌کند. همچنین با تأکید بر همنوایی و همبستگی به جای فردگرایی و نفع شخصی باعث رشد سرمایه اجتماعی می‌شود (ولد^۱، ۲۰۰۳: ۱۳). در نتیجه به تعبیر فوکویاما (۱۳۷۹) می‌توان گفت در میان عناصری که در جامعه، سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند و یا آن را تقویت می‌کنند، نقش دین و مذهب، حائز اهمیت است.

دین اسلام نیز دارای چنین ظرفیت‌هایی است. از یک طرف، باید به این نکته توجه داشت که سرمایه اجتماعی در روابط بین افراد تبلور می‌یابد و با متغیرهای جامعه‌شناختی همچون: اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی، انسجام و همبستگی و همکاری ارتباط دارد (بدیعان و همکاران، ۱۳۹۱: ۷). از طرف دیگر، بررسی آموزه‌های قرآنی، مبین این اصل مهم است که با وجود نوظهور بودن سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصطلاح نوین یاد در عرصه علوم اجتماعی، تعالیم اسلامی در راستای غنی‌سازی سرمایه اجتماعی در نهادهای مختلف جامعه، در سطح خرد و کلان، تنظیم شده است (بدیعان و همکاران، ۱۳۹۱: ۷).

مبانی و عناصر اصلی تعریف سرمایه اجتماعی در دین اسلام موجود است. تعالیم دینی این قدرت را دارند که به صورت محسوس و نامحسوس، روابط و هنجارهای اجتماعی قوی مبتنی بر نفع فردی و جمعی همراه با نگاه عقلایی، خیرخواهی، اعتماد در روابط و عدالت‌محوری... بر اساس رویکرد الهی و توحیدی برای زندگی دنیوی و اخروی جوامع انسانی تضمین کند (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

مبانی سرمایه اجتماعی در مدیریت ارزشی اسلامی مبتنی بر مجموعه‌ای از مفاهیم، مؤلفه‌ها، ارزش‌ها و سرمایه‌های دینی است؛ مؤلفه‌هایی مانند خدامحوری، حق‌محوری، آخرت‌گرایی، عدالت‌طلبی، معنویت‌طلبی، صادق‌بودن، وحی‌گرایی، وفای به عهد، مشورت، صبر، تلاش و... (تجلیل، ۱۳۶۶: ۲۰). در جوامع غیرالهی مدیران از دانش، مدیریت و سرمایه‌های اجتماعی به عنوان ابزار کارآمد برای دست‌یافتن به خواسته‌های مادی و بیشینه‌سازی این منافع مادی مانند پول، شهرت، موفقیت و غیره استفاده می‌کنند، ولی در نظام ارزشی اسلامی، اهداف غایی در برخوردار و به کارگیری از سرمایه‌های اجتماعی، دستیابی به قرب الهی و نهادینه کردن اخلاق الهی است (اعتصامی، فاضلی، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

از دو منظر می‌توان به تبیین رابطه مفاهیم دینی و سرمایه اجتماعی پرداخت: اول اینکه خود دین

به‌عنوان یک مکتب، ایدئولوژی و کل جامع، سرمایه اجتماعی است که باید سعی کرد آن را در جامعه رشد داد و تمامیت جامعه را مبتنی بر ارزش‌های آن ساخت. نحوه دیگر پرداختن به رابطه دین و سرمایه اجتماعی، توجه به ارزش‌ها، سرمایه‌ها و ابزارهای مترقی دین مانند خدامحوری، عدالت و انصاف‌ورزی و... برای رشد و پرورش جوامع انسانی و به‌نوعی کاشت و انباشت سرمایه اجتماعی است (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

در ادامه برای جلوگیری از مبسوط‌شدن بحث و رعایت ایجاز در سخن، جدولی از نتایج پژوهش‌های مشابه در مورد سرمایه اجتماعی متکی بر آموزه‌های دینی می‌آید.

جدول ۲: مرور اجمالی ادبیات پژوهش در باب سرمایه اجتماعی اسلامی

ردیف	نویسنده/گان	ابعاد/ اصول/ سطوح/ مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی
۱	کوهکن (۱۳۸۸)	مؤلفه‌های شناختی/ مؤلفه‌های ساختاری/ مؤلفه‌های ارتباطی
۲	اعتصامی و فاضلی (۱۳۸۸)	اصل تقوای الهی/ اصل عدالت و انصاف/ اصل پرهیز و از غرور و خودپسندی/ اصل تواضع و حلم/ اصل گشاده‌رویی و خوش‌رویی/ اصل پرهیز از دنیاطلبی/ اصل مقابله با اکوپاتی
۳	فاضلی کبریا و همکاران (۱۳۹۰)	مؤلفه‌های فردی/ مؤلفه‌های اجتماعی
۴	گنجی و هلالی (۱۳۹۰)	مؤلفه‌های کیفی (آگاهی و شناخت، اعتماد اجتماعی)/ مؤلفه‌های کمی (مشارکت اجتماعی، ارتباطات اجتماعی)
۵	اعتصامی و فاضلی (۱۳۹۳)	سطح محیط (چارچوب‌های قانونی و قواعد و نهادهای نظام، میزان مشارکت و مسئولیت در فرایند سیاسی)/ سطح خرد (کنشی - رابطه‌ای، شناختی - گرایشی، ساختاری)/ سطح پایه (وفای به عهد، اعتمادبه‌نفس، صداقت در تعامل با حضرت ربوبی و جامعه)
۶	ویسه و نصرالهی (۱۳۹۴)	اعتماد اجتماعی/ شبکه‌های اجتماعی/ مشارکت اجتماعی/ مسجد و فرهنگ مشارکت/ همبستگی اجتماعی/ اخوت و دوستی/ شورا و مشورت
۷	صادقی و خنیفر (۱۳۹۴)	بعد ساختاری (مشارکت و انسجام اجتماعی، نماز جماعت، اخوت)/ بعد ارتباطی (پرهیز از بدگمانی، اعتمادسازی حکومتی، قرض‌الحسنه، انفاق، زکات، صلح‌رحم، ایثار، نصیحت و خیرخواهی، وفای به عهد، عدالت اجتماعی، ترک غیبت، ترک حسادت)/ بعد شناختی (وحدت حول مشترکات)
۸	کریمی و همکاران (۱۳۹۴)	بعد ساختاری (ولایت، بنوت، اخوت، عوامل دوستی‌زا)/ بعد ارتباطی (ارتباط متقابل، هنجار، خیرخواهی عمومی)/ بعد شناختی (اعتماد اجتماعی، اعتماد اقتصادی)

روش پژوهش

همان گونه که بیان شد، هدف پژوهش، شناخت ابعاد سرمایه اجتماعی در آموزه‌های دینی است. بنابراین، این پژوهش از حیث هدف، اکتشافی یا بنیادین؛ به لحاظ روش، کیفی و دارای رویکردی استقرایی است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از فن تحلیل مضمون استفاده شد.

داده‌های این پژوهش با رجوع به بیانات حضرت علی (علیه السلام) در دو منبع معتبر به دست آمد. منبع اول نامه‌های کتاب شریف نهج البلاغه بود که عموماً رویکردی اجتماعی به سرمایه اجتماعی دارد؛ چرا که به جز چند مورد خاص، تمام نامه‌های ایشان به کارگزاران، مسئولان، لشکریان، والیان و یا مردم شهرهاست و می‌تواند خلأ فقدان نگاه کلان به این مفهوم را که در پژوهش‌های پیشین وجود دارد، پر نماید. منبع دوم نیز روایات حضرت، در کتاب میزان الحکمه بود. مزیت این کتاب به شرح زیر است:

* این کتاب با کنارهم قراردادن مضامین مشابه روایات، دسته‌بندی خوبی را ارائه کرده است. به طوری که پیدا کردن موضوع مدنظر زمان زیادی طول نمی‌کشد.

* این کتاب ناظر به روایات فقهی نیست و احادیثی را که مضمون اخلاقی و اجتماعی دارد، بیان کرده است.

یافتن روایات مرتبط نیز از طریق استفاده از نرم‌افزار این دو کتاب که در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور تولید شده است، صورت گرفت. واژه‌های متعددی در ترجمه کتاب به فارسی و در متن اصلی به عربی، از جمله «اعتماد»، «دوستی»، «یاری رساندن»، «و ثوق»، «توکل»، «نصر»، «امن و ایمان»، «اتحاد»، «برادر و برادری»، «ارتباط»، «عون»، «ایثار» و... مورد جستجو قرار گرفت.

برای استخراج مفاهیم از متن‌ها و منابع، از فن تحلیل مضمون استفاده شد. استرلینگ^۱ (۲۰۰۱) در دسته‌بندی خود از مضمون، سه گونه مضمون پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر را شناخته و معتقد است با تحلیل مضامین، شبکه‌ای از مضامین ایجاد می‌شود و در نهایت، با تحلیل آنها، مفاهیم کلیدی، استخراج و مدل، تبیین می‌شود.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که بیان شد در گام اول این پژوهش، یافتن مضامین پایه مورد نظر قرار گرفت. پس از استخراج جملات کلیدی و پالایش آن، ۱۱۷ مضمون پایه حاصل شد. از آنجاکه ارائه همه این مضامین به‌خاطر مبسوط‌شدن مطالب، مقدور نبود در ادامه، بخشی از این داده‌ها آورده می‌شود (از شماره ۱ تا ۱۴ مربوط به نامه‌های حضرت در نهج‌البلاغه و از شماره ۱۵ تا آخر مربوط به بیانات ایشان در کتاب میزان‌الحکمه است).

جدول ۳: بخشی از داده‌های پژوهش

ردیف	مضمون پایه	داده	نشانی داده
۱	لزوم بی‌رغبتی حاکم نسبت به مادیات	خطاب به شریح: اگر زمان خرید خانه نزد من آمده بودی، برای تو سندی مانند این سند می‌نوشتیم که در خرید این خانه به یک درهم چه رسد بالاتر از آن رغبت نمی‌کردی.	نامه ۳
۲	نهی از خیانت در بیت‌المال	به خدا قسم می‌خورم قسم صادقانه، اگر به من خبر رسد که در بیت‌المال مسلمانان در مالی اندک یا زیاد خیانت ورزیده‌ای، چنان بر تو سخت‌گیری کنم که تو را تهیدست و سنگین‌بار و ذلیل و پست کند! والسلام.	نامه ۲۰
۳	اعتماد به مردم	خطاب به یکی از کارگزاران: او را امر می‌کنم که مردم را دروغگو شمارد.	نامه ۲۶
۴	نهی از گسستن روابط	بپرهیزید از دوری و قطع رابطه با هم.	نامه ۴۷
۵	دعوت به بخشندگی	بر شما باد بخشش مال به یکدیگر.	نامه ۴۷
۶	نهی از جست‌وجوی عیوب	هر که از عیب‌های پنهانی [مردم] جستجو کند، خداوند او را از دوستی دل‌ها محروم گرداند.	۱۴۸۱۶
۷	دعوت به خیرخواهی	خیرخواهی (یک‌رنگی)، دوستی به‌بار می‌نشانند.	۲۰۱۹۰
۸	توصیه به حاکم جهت مدارا با مردم	هرگاه به حکومت رسیدی، نرمش و مدارا را پیشه کن.	۹۱۹۷
۹	نهی از نیرنگ‌زدن	نیرنگ‌زدن به کسی که به تو اعتماد کرده، کفر است.	۵۴۶
۱۰	برخورد صادقانه با دوستان	صدیق (دوست راستین) را صدیق نامیده‌اند، چون با تو و عیب‌هایت، صادقانه برخورد می‌کند؛ هر که چنین باشد، به او اعتماد کن که او دوست راستین است.	۲۰۷
۱۱	دعوت به امانت‌داری	هرگاه امانت‌داری تقویت شود، صداقت و دوستی زیاد گردد.	۱۵۴۷
۱۲	دعوت به خوش‌وعده‌بودن	هر که خوش‌وعده باشد، شایسته‌گزینش [برای دوستی] است.	۲۲۲۶۴
۱۳	دعوت به رازداری	خوبی دنیا و آخرت در رازداری و دوستی با نیکوکاران گردآمده است.	۵۵۷۶
۱۴	توصیه به ترمیم روابط قطع‌شده	از جمله مکرم اخلاق این است که بآنکه از تو پیوند بریده ارتباط برقرار کنی، به آنکه از تو دریغ ورزیده، عطا کنی و از آنکه به تو ستم کرده درگذری.	۵۲۷۹

همان گونه که در جدول ۳ به عنوان نمونه آمده است، با بررسی متن روایات، مضامین پایه استخراج شد. مضمون پایه، نزدیک ترین درون مایه به جمله های کلیدی است. به عنوان مثال، مضمون عبارت "خدا را خدا را درباره یتیمان، آنان را گاهی سیر و گاهی گرسنه مگذارید، مباد که در کنار شما تباه شوند"، "توصیه به یتیم نوازی" در نظر گرفته شد. همچنین مضمون جمله "خطاب به مأمور جمع آوری زکات: با آرامش و وقار به جانب آنان برو تا در میانشان قرارگیری و به آنان سلام کن و در تحیت به ایشان کوتاهی مکن"، "حفظ کرامت مردم هنگام انجام وظایف" نام گذاری شد. روند کدگذاری به همین ترتیب تا پایان ادامه داشت. در مرحله بعد، پژوهشگران با بررسی مضامین پایه (یا کدهای اولیه)، سه جهت گیری کلی در کدها را کشف کردند. این جهت گیری ها الزامات خلق سرمایه اجتماعی نامیده شد؛ چرا که برای ایجاد و فراگیر شدن سرمایه اجتماعی در جامعه، این الزامات مورد نیازند و اگر مخدوش شوند، بخشی از سرمایه اجتماعی آسیب می بیند.

جهت گیری اول "الزامات فردی" نام گرفت. منظور از الزامات فردی، توصیه و نکاتی فردی است که برای ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی لازم است و رعایت آن در گرو تصحیح نحوه نگرش و نگاه فرد، به خودش، جامعه و جهان خارج است. از همین رو، تأکید اصلی این سطح از روایات، بر بُعد ذهنی است. ماهیت این الزام به نحوی است که رعایت آن به خود فرد وابسته است. فرد باید با خودسازی به این نگاه و نحوه اندیشیدن پیرامون جامعه دست یابد. به عنوان مثال، حضرت می فرمایند که "خیرخواهی، دوستی به بار می نشاند". در این روایت دعوت به خیرخواهی شده و خیرخواهی را، خواستن خیر و خوبی برای دیگران (وبسایت ویکی اهل البیت) تعریف کرده اند. همچنین در عبارت "بدترین مردم کسی است که به سبب بدبینی، به هیچ کس اعتماد نکند" نهی از بدبینی نیز نهی از یک ویژگی نگرشی و ذهنی در افراد است. تصحیح نحوه نگرش و مثلاً ایجاد نگاه خیرخواهانه یا دوری از بدبینی بیش از هر عامل خارجی، به خود فرد بستگی دارد و اوست که باید پایه و اساس نگاه خویش را اصلاح نماید. البته هر کدام از این مفاهیم ذهنی، نمودهایی در جهان خارج دارند. بدبینی به عنوان یک مفهوم ذهنی می تواند به یک رفتار مانند تهمت زدن منجر شود. در این سطح، منظور اصلی نمودهای رفتاری نیستند، بلکه مفاهیم ذهنی مورد توجه است.

جهت گیری دوم، "الزامات گروهی" نام گرفت. این الزام در تعاملات بین فردی افراد نمایان می شود و توصیه هایی است که افراد باید در ارتباطات خود آن را به کار گیرند. در واقع، بُعدی است که از فضای ذهن خارج شده و وارد فضای کنش و عمل می شود. به عنوان مثال، در روایت "بهترین

برادران تو آن کسی است که با مال خویش تو را یاری رساند و بهتر از او کسی است که تو را از دیگری بی‌نیاز سازد." یاری‌رساندن مالی به برادران توصیه شده است. همان‌طور که مشخص است، این توصیه دو ویژگی دارد: نخست اینکه برای انجام این توصیه حتماً باید به‌جز فرد، شخص دیگری هم وجود داشته باشد (ماهیت گروه‌بودن) و باید نیاز مالی شخص دیگر برطرف شود (ماهیت رفتاری یا کنشگری). در توصیه "صدیق را صدیق نامیده‌اند، چون با تو و عیب‌هایت، صادقانه برخورد می‌کند. هر که چنین باشد، به او اعتماد کن که او دوست راستین است." دعوت به بیان صادقانه عیوب دوستان شده است. این الزام نیز نیازمند حضور دو یا چند نفر (دوستان) و بیان عیوب (نوعی رفتار) است. برای فهم بهتر این الزام می‌توان آن را با الزام قبلی مقایسه کرد. در الزام فردی توصیه‌هایی، مانند خیرخواهی یا دوری از بدبینی و در الزام شبکه‌ای کمک مالی یا ارائه بازخور به دوستان بیان شد. در دسته اول، جنس نکاتی که باید رعایت شود، مربوط به خود فرد است و تحقق آن منوط به اراده و اصلاح ذهنیت شخص است اما در دسته دوم ارتباطات و تبادلات به‌میان می‌آیند و تحقق آن منوط به فراهم‌شدن عوامل خارجی است.

جهت‌گیری سوم "الزامات مدیریتی" نام گرفت. بازیگر اصلی در این سطح، حاکمیت و مدیران هستند. در واقع در بیان حضرت علی (علیه‌السلام)، حاکمان نیز در برابر ایجاد حس اعتماد و تقویت شبکه‌های اجتماعی، وظایفی دارند. ایشان به کارگزاران و منصوبین خود این وظایف را گوشزد نموده‌اند. همان‌طور که مشخص است، رعایت این نکته، نه در محدوده ذهنیت فردی (سطح الزامات فردی) و نه در محدوده رفتار گروهی (سطح الزامات گروهی) است بلکه به اختیارات و تصمیمات حاکم بستگی دارد. از همین رو، نقش دولت‌ها یا حاکمیت‌ها در این سطح قرار می‌گیرد. در ادامه، با بررسی تمام روایات مربوط به سطح سوم مشخص شد یک عدم تجانس بین ماهیت روایات وجود دارد. به‌عنوان مثال، درجایی حضرت می‌فرمایند که "باید دورترین رعیت تو از حریم تو، و در شدت کینه تو نسبت به او، کسی باشد که در حق مردم عیب‌جوتر است، زیرا در مردم عیوبی هست که والی در پوشاندن آن عیوب از همه کس سزاوارتر است". اینکه چه کسی وارد حریم نزدیکان حاکم می‌شود، امری است که بر عامه مردم پوشیده است. عیب‌پوشی حاکم نیز امری است از مردم پوشیده‌شده؛ چرا که شاید افراد به‌خاطر رفتار صحیح حاکم، هیچ‌گاه متوجه این نکته نشوند که حاکم به عیب آنها پی برده است. این‌گونه ویژگی‌ها، به اعتبار همین نامشهود و مخفی‌بودن، "الزامات اجتماعی نامشهود" نام‌گذاری شد. از طرف دیگر، روایاتی مانند "به من خبر

رسیده که محصولات زمین را برده و آنچه زیر دو پایت بوده برگرفته و هرچه از بیت‌المال در اختیار داشتی خورده‌ای. حسابت را پیش من فرست،" نوعی حساب‌کشی از مدیران زیردست، در جهت ترمیم اعتماد مردم به حاکم است. این دست روایات که بُعد عمومی پیدا می‌کند و افکار عمومی با آن مواجه می‌شود، "الزامات اجتماعی مشهود" نام‌گذاری شد.

در نهایت رابطه بین این مضامین سه‌گانه به این شکل است. سطح فردی، بستر و فضای سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد، فرد در این سطح از نظر ذهنی و نگرشی آماده نگاه مثبت و مبتنی بر اعتماد به جامعه می‌شود؛ نگاهی که لازمه ایجاد سرمایه اجتماعی است. سطح گروهی، سرمایه اجتماعی را خلق می‌کند؛ چراکه در پیوند افراد با یکدیگر است که اعتماد و شبکه‌های اجتماعی نمود پیدا می‌کنند و این سرمایه ایجاد می‌شود. سطح سوم ظرفیت توسعه سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌نماید. حضرت علی (ع) در جایی می‌فرماید «الناس بأمرائهم ائمه بمنهم بأبائهم» (مردم به حاکمان خود شبیه‌ترند از پدران) لذا اگر در جامعه‌ای مدیران و حاکمان شروع به گسستن اعتماد و سست کردن ارزش‌های مردم کنند، شروع چرخه‌ای است که هرچه رو به پایین بیاید، نتایج آن قوی‌تر می‌شود. از همین رو، سطح سوم حفظ‌کننده و توسعه‌دهنده سرمایه اجتماعی به وجود آمده است. جمع‌بندی این سه مرحله را می‌توان در قالب جدول زیر ارائه داد.

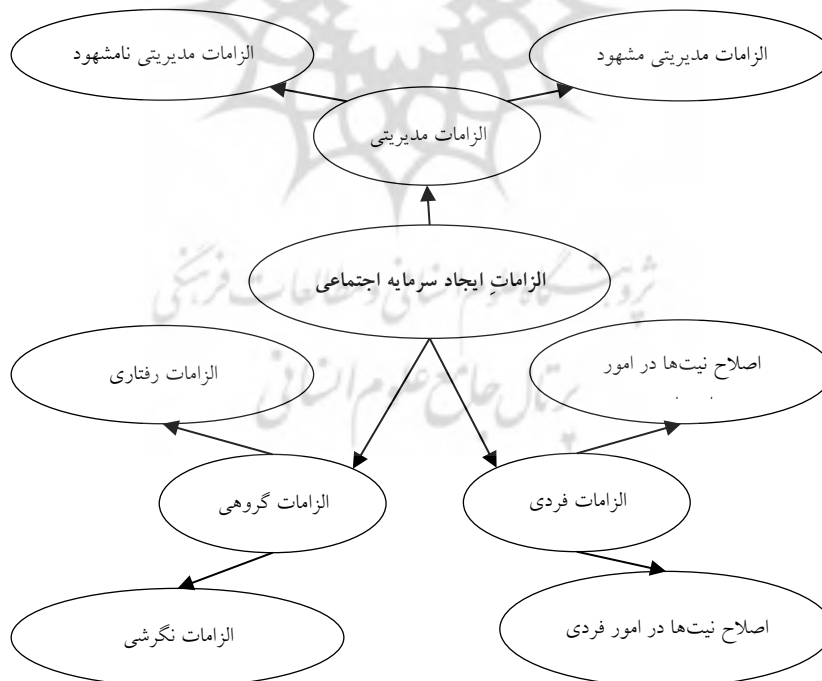
جدول ۴: مضامین پژوهش

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
سطح الزامات مدیریتی	الزامات مدیریتی نامشهود	حفظ کرامت مردم هنگام انجام وظایف، رعایت حریم خصوصی مردم، نهی از هراس‌افکنی بین مردم، حفظ سنت‌های نیکوی گذشتگان، نگاه خادمانه در رأس مسئولیت‌ها، نگاه امانت‌مدارانه به پست‌ها و سمت‌ها، مردم را ولی نعمت دانستن، دعای خیرکردن در حق مردم، دوری از حرام‌خواری، دوری از انجام گناه در خفا، دوری از فرد چاپلوس، دوری از عیب‌جویان.
	الزامات مدیریتی مشهود	رفتار ضابطه‌مند با مردم به‌جای رفتار خودسرانه، نرم‌خویی با مردم، دوری از مال‌اندوزی، نهی از خیانت به بیت‌المال، عدالت و انصاف، انجام لین و لطیف وظایف، فروتنی با مردم، حضور در میدان‌های عمل، پیش‌قدم‌بودن در ترویج رفتارهای صحیح، توجه به نیازمندان، پاسخگویی به مردم، حساب‌کشی از مسئولان، شفافیت در انجام کارها، فرصت‌سازی برای مشارکت مردم در امور اجتماعی، بسترسازی برای مشورت‌گرفتن و دریافت نظرات مردم.

ادامه جدول ۴: مضامین پژوهش

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
سطح الزامات گروهی	الزامات رفتاری	راستگویی، امانت‌داری، وفای به عهد، ترمیم روابط بریده‌شده، دوری از حرام‌خواری، دعوت به امر به معروف و نهی از منکر، نهی از سخن‌چینی، صلح‌رحم، یتیم‌نوازی، راضی‌نگهداشتن همسایه، صدقه‌دادن.
	الزامات نگرشی	ستر عیوب، دوری از خیانت، دوری از تجسس، برائت از بی‌دین‌ها، بخشش خطای دیگران، حفظ کرامت سالمندان
سطح الزامات فردی	اصلاح نیت‌ها در امور فردی	نهی از دل‌بستن به آرزوهای بلند، مبارزه با نفس، نهی از بخل، نهی از دورویی، اعتماد نکردن به لثیم، عذرپذیری، نهی از نفاق
	اصلاح نیت‌ها در امور اجتماعی	حسن‌ظن، نگاه برادرانه (اخوت)، خیرخواهی، دلسوزی، دگردوستی، حفظ حرمت‌ها، شجاعت در راه حق‌پذیری

نمایی تصویری یا نقشه مضامین پژوهش نیز به شرح زیر است.



شکل ۱: شبکه مضامین پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با عبور از هزاره دوم و پانهدان به هزاره سوم، مفاهیم جدیدی در حوزه‌های میان‌رشته‌ای ظهور یافته‌اند که از آن جمله، مفهوم سرمایه اجتماعی است که مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف قرار گرفته است (خنیفر، ۱۳۹۴). این مفهوم در پژوهش‌های دانشگاهی ایران نیز توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، اما پژوهش‌هایی که بستر فرهنگی و ارزشی کشور را مورد ملاحظه قرار دهند، چندان قابل توجه نیستند، لذا این پژوهش، در پی شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های دینی صورت پذیرفت و مدلی نیز ارائه کرد.

این مدل شامل سه سطح از الزامات برای رسیدن به سرمایه اجتماعی است. در سطح اول از الزامات، ذهنیت فرد به جهان خارج مطرح می‌شود؛ نمی‌توان انتظار رفتاری را داشت ولی بستر مناسب آن در اندیشه فرد شکل نگرفته باشد. سرمایه اجتماعی نیز از این قاعده مستثنی نیست. نمی‌توان توقع ایجاد و تقویت اعتماد یا شبکه‌های اجتماعی را داشت، بدون اینکه افراد به نگاهی "خیرخواهانه" نسبت به یکدیگر رسیده باشند. به بیان دیگر، با وجود انسان‌هایی "بخیل"، "بدبین"، "کینه‌ای"، "خودخواه" و... نمی‌توان توقع شکل‌گیری جامعه‌ای با سرمایه اجتماعی بالا داشت.

در سطح دوم الزامات، رعایت نکاتی در ارتباطات مدنظر است. در این سطح، از فضای ذهن افراد خارج شده و به فضای کنش افراد می‌رسیم. ساخت صحیح ذهن نمی‌تواند به تنهایی مؤثر باشد، چون ماهیت سرمایه اجتماعی، در روابط نهفته است و بدون داشتن ارتباطات و تعاملات، صحبت از این مفهوم، موضوعیت پیدا نمی‌کند. در این سطح، رفتارهایی قرار دارند که موجب ارتقای کیفیت روابط بین افراد در جامعه می‌شوند مانند کمک مالی به یکدیگر، یتیم‌نوازی، امر به معروف، صلح‌رحم، صدقه‌دادن، بخشش دیگران و...

سطح سوم مربوط به وظایف حاکم و مدیر نسبت به جامعه است. این سطح به‌طور پرننگی در نامه‌ها و خطاب‌های حضرت به والیان و مسئولان و کارگزاران مطرح می‌شود. ایشان به دفعات این افراد را به ایجاد فضایی مملو از عطوفت و مهربانی نسبت به مردم توصیه می‌کنند. در جایی خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: افراد عیب‌جو را از خود دور کن و عیب مردم را بپوشان، همچنین تذکر می‌دهند که با سنت نیکویی که مردم به آن عمل می‌نمایند، مخالفت نکن. در جایی دیگر، مدیر را دعوت به فروتنی و نرم‌خویی با مردم می‌نمایند. ایشان خواهان مشارکت مردم در امور حکومت و

دریافت نظرات آنهاست و خود ایشان نیز در بسیاری مواقع برای مردم دعای خیر می‌کردند. این‌گونه رفتارها موجب ایجاد حس همبستگی و اعتماد بیشتر بین مردم می‌شود.

نکته قابل ذکر در اینجا این است که بدون وجود این سطح نیز سرمایه اجتماعی خلق می‌شود. مثلاً گروه‌هایی در جامعه - فارغ از نظام مدیریتی و رفتار مدیران و مسئولان - می‌توانند درون خود به خلق این سرمایه بپردازند. اما فراگیر شدن حس اعتماد و تسهیل رفع نیازها و خواسته‌ها، نیازمند حمایت فضای مدیریتی جامعه است. این مدیران هستند که ابزارهای مالی یا رسانه‌ای گسترده‌ای در اختیار دارند و می‌توانند با استفاده از این ظرفیت به توسعه فضای مملو از دوستی و برادری بپردازند. لذا نقش این سطح، حفظ‌کننده و توسعه‌دهنده سرمایه اجتماعی است.

پژوهش‌های پیشین، خلأ یک الگوی سلسله‌مراتبی را به‌خوبی پر نکرده است. به‌عنوان مثال، کوهکن (۱۳۸۸) با مبنای قرارداد مدل CRS^۱ به تطبیق آن با منابع دینی پرداخت. این مدل را ناهایت و گوشال برای اولین بار ارائه کرده و مدعی‌اند که این سه بُعد با یکدیگر در ارتباط‌اند، ولی مشخص نیست که مبنای قرارداد آن برای استخراج مطالب دینی چقدر معتبر باشد. کوهکن (۱۳۸۸) در بعد ساختاری، ولایت، بنوت و اخوت را نام می‌برد. در بعد شناختی به برخی مؤلفه‌های ایجابی و سلبی اشاره می‌نماید و در نهایت در بعد ارتباطی نیز به تشریح مؤلفه‌های ایجاد ارتباط متقابل در جامعه اسلامی و مؤلفه‌های ایجاد هنجار می‌پردازد. در واقع، وی مدلی خارج از معارف دینی را مبنا قرار می‌دهد که این امر پژوهشگر کیفی را در سامان‌دادن یک مفهوم در بستری کاملاً متفاوت، با محدودیت و تنگنا مواجه می‌سازد. از همین رو، در پژوهش حاضر، رویکرد کیفی اتخاذ شد تا بتوان با آزادی بیشتر، روایات را بررسی کرد.

اعتصامی و فاضلی (۱۳۸۸) به ارائه برخی اصول، مانند تقوای الهی، تواضع و حلم، خوش‌رویی، مقابله با اکوپاتی و... پرداخته‌اند، اما مبنای استخراج اصول مشخص نیست. لذا بین آنها عدم تجانس وجود دارد. به‌عنوان مثال، نمی‌توان ارتباطی بین اصل تقوای الهی و مقابله با اکوپاتی در مفهوم سرمایه اجتماعی پیدا کرد. همچنین این مفاهیم بدون واسطه مفاهیم خردتر، از روایات استخراج شده و موجب شده‌اند در همان گام اول مفهومی با سطح انتزاع بالا از روایت به‌دست بیاید؛ اما در این پژوهش، تقسیم‌بندی داده‌ها از سطح فردی شروع و با سطح گروهی و اجتماعی ادامه یافت. همچنین با استفاده از فن تحلیل مضمون مشکل بدون واسطه بودن سطح انتزاع بالا از روایات از بین

رفت؛ چرا که این فن، فرایند گام به گامی را شامل مضمون پایه، مضمون سازمان دهنده و مضمون فراگیر پیشنهاد می کند. مثلاً بین "سطح الزام اجتماعی" و روایات دو سطح وجود دارد. یک سطح مربوط به مشهود یا نامشهود بودن الزامات و سطح دیگر مربوط به مضامین پایه ای همچون رعایت حریم خصوصی، فراهم کردن زمینه مشارکت مردم یا لزوم حساب کشی از مدیران، قرار دارد. در واقع، فرایند استقرایی بودن به شکل بهتری نسبت به پژوهش های پیشین به کار گرفته شد که به فهم بهتر چگونگی رسیدن به مضامین با سطح انتزاع بالا کمک کرده است.

براساس یافته های پژوهش می توان، پیشنهادهایی را ارائه کرد که بخشی از آنها در ادامه می آید.
- چهارچوب هایی مانند رعایت حریم خصوصی افراد در هر شرایطی، در جهت افزایش حرمت مردم مورد توجه و پذیرش نظام اداری قرار بگیرد.

- چهارچوب هایی مانند تقویت رسانه ها، گفت و گوهای شفاف با مردم برای قرار گرفتن مردم در جریان امور و... در جهت افزایش شفافیت که موجب کم شدن سوءظن ها و بدگمانی ها می شود مورد پذیرش و توجه نظام اداری قرار بگیرد.

- چهارچوب هایی مانند برخورد لین و نرم در ادارات و... در جهت افزایش برخورد کریمانه با مردم مورد توجه و پذیرش نظام اداری قرار بگیرد.

- نظارت های مردمی افزایش یابد و مردم در این زمینه توانمند شوند؛ چرا که تنها راه فسادناپذیر، نظارت مردم بر امور است.

منابع فارسی

- اعتصامی، منصور و فاضلی کبریا، حامد (۱۳۸۸). درآمدی بر الگوی مدیریتی امام علی (ع) از منظر مؤلفه های سرمایه اجتماعی. اندیشه مدیریت. سال سوم. شماره دوم: ۱۲۸ - ۱۰۱.
- اعتصامی، منصور و فاضلی کبریا، حامد (۱۳۹۳). تدوین الگوی پیشنهادی مؤلفه های مدیریتی سرمایه اجتماعی با نگاهی به مفاهیم نهج البلاغه. سیاست گذاری اقتصادی. سال ۶. شماره ۴۵: ۲۵ - ۱۲.
- بدیعیان، راضیه؛ نجفی، محمد و عاشوری رودپشتی، رخسار (۱۳۹۱). توسعه سرمایه اجتماعی براساس آموزه های قرآنی. بصیرت و تربیت اسلامی. سال نهم. شماره ۲۳: ۲۲ - ۱.
- بهروان، حسین و بهروان، ندا (۱۳۹۲). تحلیل محتوای مفهوم سرمایه اجتماعی در احادیث امام رضا (ع). فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ۶. شماره ۳: ۱۴۹ - ۱۱۵.
- تجلیل، ابوطالب (۱۳۶۶). ارزش ها و ضدا ارزش ها در قرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- خنیفر، حسین؛ بابائیان مهابادی، سمیه و طاهری‌نژاد، فائزه (۱۳۹۴). چستی نسبت دین و سرمایه اجتماعی با نگره فلسفی (موردکاوی: پایش آیات قرآن در نظام و حیانی). *فلسفه دین*. دوره ۱۲. شماره ۱: ۱۹۶ - ۱۷۵.
- ردادی، محسن (۱۳۸۷). *مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در اسلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی. دانشگاه امام صادق(ع).
- شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۶). بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته. *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۳۰: ۶۳ - ۳۰.
- شریف‌الرضی، محمدبن‌حسین (۱۳۹۴). *نهج‌البلاغه*. ترجمه: سیدجعفر شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- صادقی، یوسف و خنیفر، حسین (۱۳۹۴). بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نص احادیث در رهگذر رابطه علم و دین. *مدیریت سرمایه اجتماعی*. دوره ۲. شماره ۳: ۳۴۶ - ۳۱۷.
- صمدی، عباس و عباسی، مهرناز (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار رقابتی شرکت‌ها. *مدیریت فرهنگ‌سازمانی*. دوره ۱۰. شماره ۲: ۱۰۸ - ۸۵.
- ضرغامی، برزین (۱۳۸۶). نقش نهادها و رفتارهای دینی در تقویت و انسجام سرمایه اجتماعی. *نشریه آیین*. شماره ۷: ۷۳ - ۷۰.
- فاضلی کبریا، حامد؛ صفرزاده، حسین و حسن‌زاده، مسعود (۱۳۹۰). طراحی مدل مفهومی سرمایه اجتماعی باتأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی*. سال اول. شماره ۲: ۳۷ - ۱۳.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- کریمی، میلاد؛ خنیفر، حسین و طاهری‌نژاد، فائزه (۱۳۹۴). طراحی مدل مفهومی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از منظر نظام اسلامی. *مدیریت سرمایه اجتماعی*. دوره ۲. شماره ۴: ۶۳۰ - ۶۰۵.
- کوهکن، علی‌رضا (۱۳۸۸). مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی. *راهبرد یاس*. شماره ۱۷: ۱۴۱ - ۱۲۴.
- گنجی، محمد و هلالی ستوده، مینا (۱۳۹۰). رابطه گونه‌های دینداری و سرمایه اجتماعی (رویکردی نظری و تجربی بین مردم شهرستان کاشان). *جامعه‌شناسی کاربردی*. سال ۲۲. شماره ۲: ۱۲۰ - ۹۵.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳). *میزان‌الحکمه*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- مقیمی، سیدمحمد؛ امامی، فرزانه و کاظمی، معصومه (۱۳۹۰). ارزیابی و اولویت‌بندی شاخصه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر عملکرد سازمانی در نظام دانشگاهی. *مدیریت فرهنگ سازمانی*. دوره ۹. شماره ۲: ۶۰ - ۲۹.
- ویسه، مهدی و نصرالهی وسطی، سیمین (۱۳۹۴). تأثیر سرمایه اجتماعی بر ایجاد خلاقیت در دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان مدیریت دانشگاه ایلام). *اسلام و مطالعات اجتماعی*. سال ۳. شماره ۳: ۱۴۵ - ۱۲۱.

منابع انگلیسی

- Burt, R.S. (2009). **Structural holes, the social structure of competition**. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Coleman, J. S. (1990). **Foundations of Social Theory**. Cambridge, Harvard university press.
- Hall, P. A. (2004). Social Capital in Britain. **British Journal of Political Science**, 29 (1), 417-431.
- Loflin, K. (2003). **Bonding and Bridging Social Capital and Their Relation Ship to Community and Political Civic Engagement**. The University of N. Carolina.
- Melissa D. Dodd., John Brummette., & Vincent Hazleton (2015). A social capital approach: An examination of Putnam scivic engagement and public relations roles. **Public Relations Review**, 41(4), 472-479.
- Mitchell, A.D. & Bossert T. J. (2006). **Measuring dimensions of social capital: Evidence from surveys in poor communities in Nicaragua**. Department of Population and International Health. Harvard School of Public Health.
- Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage. **Academy of management Review**, 23 (2), 242-66.
- Naichen Li, Xunhua Guo, Guoqing Chen., & Nianlong Luo (2015). Reading behavior on intra-organizational blogging systems: A group-level analysis through the lens of social capital theory. **Information & Management**, 52 (7), 870-881.
- Putnam, R. (2000). **Bowling ALONE: The collapse and Revival of American community**. New York, Simon Schuster.
- Putnam, Robert D. (1995). Bowling Alone: America's Declining Social Capital. **Journal of Democracy**, 13 (2), 65-78.
- Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. **Qualitative research**, 1(3), 385-405.
- Wald, K. D. (2003). **Religion and Politics in the United State**. Landan, MD, Rowman & Littlefield.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی